

نقل قول خبر



سید یعقوب محمد مرادی مشاور وزیر نیرو در امور ایثارگران جلوه‌های معنوی ایثارگرانه مردم در امتداد مسیر و آرمان‌های شهدا ادامه دارد. شهیدانی که در زمان نوجوانی و جوانی خود با استعداد از اهل بیت(ع) راهی جبهه‌ها شدند، یادگاران ارزشمندی هستند که باید منش جوانمردی و ایثارگری آنان به فرزندان این جامعه منتقل شود. نسل کنونی باید با آموزه‌های شهادت و ایثار آشنا باشد و این مهم رسالتی است که بر دوش تک‌تک ما و آحاد جامعه قرار دارد. ایرنا

مریم مجتهدزاده

رئیس سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان در دفاع مقدس بخشی از بودجه دستگاه‌ها مربوط به نشر فرهنگ دفاع مقدس است که به خوبی برای آن برنامه‌ریزی نشده است. باید راهی را ایجاد کنیم که جوانان ببینند کشور چه دستاوردهایی به دست آورد و در جریان این مجاهدت و آماده‌سازی‌ها و دلآوری‌های دفاع مقدس نقش زنان بررسی شود. زنان ما جان و مال و فرزندان و همسران خود را وارد میدان کردند و شور و هیجان را به مردان دادند تا با دشمن بجنگند. ایستنا

شهره کیانوش‌راد روزنامه‌نگار

گزارش

شهره کیانوش‌راد روزنامه‌نگار

خبر

کشف پیکر یک شهید در منطقه کردستان عراق
پیکر یک شهید دوران دفاع مقدس با تلاش اعضای کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح و ساکنان محلی در «دره شیر» منطقه پنجوبن عراق کشف شد.
پنجوبن در منطقه کردستان عراق در منطقه سلیمانیه قرار دارد که محل انجام عملیات والفجر ۴سوی ایران در دوران دفاع مقدس شد.
عملیات والفجر ۴ در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۷ تا ۱۳۶۲/۸/۳۰ در جبهه شمالی و در منطقه سلیمانیه و پنجوبن عراق انجام شد.هدف از اجزای این عملیات، تصرف دره شیر بود که در این صورت معابر ورودی عناصر ضدانقلاب از عراق به ایران مسدود می‌شد. این عملیات با فرماندهی سپاه و ارتش در ۲محور بانه و مریوان انجام شد و در نتیجه آن، اغلب ارتفاعات موردنظر در هر دو محور به تصرف در آمد، لیکن بر اثر پانک‌های دشمن روی قلعه‌های کانی مانگا، برخی از قلعه‌های آن ارتفاع دست‌به‌دست شد و در نهایت در اشغال دشمن باقی ماند.
درعین حال، این عملیات با نتایجی همچون آزادسازی بخشی از خاک ایران اسلامی، تصرف منطقه وسیع دره شیر و در نتیجه انسداد تعدادی دیگر از معابر مهم تردد ضدانقلاب و نیز اشرف خودی بر شهر پنجوبن و چند روستای عراقی پایان یافت.

خبر

راهاندازی پلتفرم سلامت روان برای ایثارگران
پلتفرم سلامت روان با هدف حمایت‌های روانی از ایثارگران راه‌اندازی می‌شود. جلال سبانی، سرپرست اداره کل پیشگیری و بهداشت روانی بنیاد شهید و امور ایثارگران، بابیان اینکه دفتر سازمان جهانی بهداشت در منطقه مدیترانه شرقی، پلتفرم سلامت روان و حمایت‌های روانی راه‌اندازی کرده گفت: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با الگوبرداری از آن، نسخه ایرانی وبومی شده را در ایران راه‌اندازی کرده و نتیجه این فعالیت، پلتفرم خودارزیابی روان‌شناختی در راستای خودمراقبتی سلامت روان در شرایط همه‌گیری کووید-۱۹ است. توجه به گسترش کووید-۱۹ در جهان، آثار این همه‌گیری بر سلامت روان آحاد جامعه به شکل استرس و اضطراب نمایان شده و این آثار در گروه خاصی از جمعیت از جمله سالمندان، ایثارگران مبتلا به بیماری‌های خاص، بیماران مبتلا به کرونا و کودکان و زنان بارزتر است. با هماهنگی اداره کل پیشگیری و بهداشت روانی بنیاد و دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت این پلتفرم با آدرس salamat.gov.ir در دسترس ایثارگران عزیز و عموم جامعه قرار داد. برای ورود به آن، نیاز به وارد کردن مشخصات هویتی نیست و افراد می‌توانند با مطرح کردن مشکلات روان‌شناختی خود، اطلاعات لازم در خصوص دریافت مشاوره و مراجعه به مراکز بهداشتی و درمانی را دریافت کنند.»
سبانی در پایان به ایثارگران عزیز توصیه کرد: «فارغ از نتیجه ارزیابی روان‌شناختی که سامانه فقط بازخورد خواهد داد و پاسخ‌ها در اختیار هیچ شخص دیگری قرار نخواهد گرفت، ایثارگران می‌توانند به بخش مودم مراجعه کرده و مطالب آموزشی خودمراقبتی سلامت روان را مطالعه کنند. همچنین می‌توانند در صورت تمایل به صورت حضوری، به بخش سوم سامانه مراجعه کرده و مراکز مورد نظر را شناسایی کنند و از خدمات روانپزشکان و روانشناسان بالینی در بیمارستان‌ها، مراکز مددکاری و مشاوره بنیاد شهید و امور ایثارگران بهره‌مند شوند.»

شهره کیانوش‌راد روزنامه‌نگار

گزارش

جنگ ۸ساله تحمیلی یا به تعبیر بهتر مقاومت ۸ساله مردم ایران در مقابل حملات رژیم بعثی عراق، ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد؛ ابعادی که نشان‌دهنده همراهی مردم برای حمایت از رزمنده‌ها در جبهه‌ها بود. تأمین سلاح در جنگ نابرابر ایران و عراق و در حالی‌که ایران در شرایط تحریم به سر می‌برد یکی از مشکلات سال‌های ابتدایی جنگ بود. قدرت‌الله میرزایی، بنیانگذار تعمیر سلاح در سپاه است که در دوران جنگ توانست از هیچ و وابسته به هم را تحت عنوان صنایع ۵کارخانه وابسته به هم در تحت عنوان صنایع مهمات‌سازی اصفهان تأسیس و اداره کند. او همچنین مینکر، طراح و سازنده نخستین سلاح انفرادی ایرانی است. خاطرات میرزایی که در کتاب «رسا» به گوشش علی هاشمی و از سوی انتشارات آرت مرز و بوم منتشر شده، نشان‌دهنده همراهی مردم در تأمین اسلحه مورد نیاز در دوران دفاع مقدس است.

قدرت‌الله میرزایی، مدیر گروه مهمات‌سازی سپاه ناحیه اصفهان در دوران دفاع مقدس است، او مینکر نخستین سلاح انفرادی طراحی و ساخته‌شده ایرانی است و در طول سال‌های جنگ تحمیلی بنا بر توانمندی‌های خود و به‌صورت داوطلبانه در حوزه تعمیر، بازسازی و مهمات مورد نیاز رزمندگان اسلام فعالیت می‌کرده‌است. بخش اصلی کتاب رسا مربوط به تجربیات او در تعمیر و ساخت سلاح‌های جنگی است و توضیحی در مورد صنایع فنی و صنعتی کشور به خواننده ارائه می‌دهد. پاسدار بازنشسته قدرت‌الله میرزایی در دوران جنگ تحمیلی با تکیه و پشتیبانی نیروهای مردمی در اصفهان توانست مجتمع صنعتی و کارخانجاتی برای تولید سلاح و مهمات تأسیس کند که بخشی از بار جنگ را بر دوش می‌کشید. او معتقد است: «اکنون که کشور ما در رویارویی با جنگ اقتصادی است به‌یقین می‌توانیم با الگوبرداری از دوران مقدس دفاع مقدس و جنگ تحمیلی ۸ساله بر

ایتا، مقاومت



جنگ با دشمن تا دندان مسلح

مدیر گروه مهمات‌سازی سپاه ناحیه اصفهان می‌گوید

تولید میلیون‌ها گلوله جنگی با همت مردم، تاثیر چشمگیری در تأمین نیازهای جنگ داشت

مشکلات غلبه کنیم و این پیروزی فقط با تکیه بر توده مردم و نیروی انسانی کارآمد و تولید در همه زمینه‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.»

ساخت سلاح در مغازه تراشکاری

میرزایی، اوایل انقلاب، مدتی در کردستان خدمت کرد و پس از برگشتن به اصفهان، همکاری خود را به‌عنوان نگهبان با سپاه پاسداران شروع کرد. او بنا به علاقه شخصی، زمان‌های آزادی که داشت روی ساخت سلاح تحقیق می‌کرد. هر چند ساخت ۲سلاح در سال ۱۳۵۸نتیجه موفقی برای او نداشت، اما این سلاح‌ها تا مدت‌ها در داروخانه تراشکاری موجود می‌بود. هر وقت به اصفهان می‌آمد روی ساخت سلاح در اسلحه‌خانه دارخوین ادامه یافت؛ «قبل از شروع عملیات شکست محاصره آسپدان، اصرار صوری می‌شده. سلاحی که تولید کردم، خان نداشت، یعنی امکاناتی برای ایجاد خان در لوله نداشتیم. خان به شیارهای موزای و مارپیچ گتته می‌شود که باعث می‌شود گلوله محور حول محور حرکت خود از لوله خارج شود و در دقت و سرعت گلوله مؤثر است. وضعیت فنی کشور ضعیف بود و من برای انجام کار، خان‌کشی داخل لوله سلاح، یکی دو جا رفتم تا اینکه کسی را پیدا کردم که مغازه تراشکاری داشت. کارت سپاه را به او نشان دادم و گفتم که می‌خواهیم یکسری کار نظامی برای ساخت سلاح انجام دهیم، او هم قبول کرد. می‌استادم کنار ماشین تراش و با اینکه خودم تراشکاری نکرده بودم، راهنمایی‌اش می‌کردم. کار به‌جایی رسید که در خود مغازه با سلاحی که ساختم یک تیر به دیوار شلیک کردم. تیر، دیوار مغازه را سوراخ کرد؛ این کار برای من خیلی امیدوار کننده بود. وقتی به برخی دوستان می‌گفتم که می‌توانیم سلاح تولید کنیم، می‌گفتند چه داری می‌گویی؟! این حرف‌ها چیست که می‌زنی؟!»

قدرت‌الله میرزایی که در کردستان سختی و مشکلات مبارزه بدون داشتن سلاح کافی را تجربه کرده بود، با شروع جنگ تحمیلی انگیزه‌اش برای ساختن سلاح بیشتر شد. او با خود فکر می‌کرد که سپاه در خوزستان و در مقابل ارتش عراق با نبود سلاح چه کار می‌تواند بکند؟ آن‌هم در چرخ تمام‌عیار با کسورتا دندان

مسلح به انواع سلاح‌های مدرن روز. به همین دلیل وقت و تمرکز بیشتری بر کارهای تحقیقاتی ساخت سلاح گذاشت؛ «باحقوق مختصری که می‌گرفتم هزینه کارهای تحقیقاتی را تأمین می‌کردم. مدتی بعد مسئولان سپاه، نیروهای فنی سپاه را به صنایع نظامی بردند و من هم عضو صنایع نظامی آنجا شدم.»

تعمیر سلاح‌های جنگی در جبهه

ساخت پوسته نارنجک و تلاش برای ساخت یک قبضه خمپاره‌انداز ۸۲میلی‌متری از فعالیت‌های میرزایی برای تأمین سلاح در دوران جنگ تحمیلی بود، اما ساخت این نوع خمپاره هم به دلیل نداشتن امکانات با مشکلاتی روبرو شد. ولی לאחר ساخته شدن، میرزایی، سال ۱۳۶۰کار تعمیر سلاح‌های اسقاطی را در اصفهان شروع کرد و بعد از آن کار در اسلحه‌خانه دارخوین ادامه یافت؛ «قبل از شروع عملیات شکست محاصره آسپدان، اصرار صوری می‌شده. سلاحی که تولید کردم، خان نداشت، یعنی امکاناتی برای ایجاد خان در لوله نداشتیم. خان به شیارهای موزای و مارپیچ گتته می‌شود که باعث می‌شود گلوله محور حول محور حرکت خود از لوله خارج شود و در دقت و سرعت گلوله مؤثر است. وضعیت فنی کشور ضعیف بود و من برای انجام کار، خان‌کشی داخل لوله سلاح، یکی دو جا رفتم تا اینکه کسی را پیدا کردم که مغازه تراشکاری داشت. کارت سپاه را به او نشان دادم و پیغام دادم که اینجا را تعمیر کنید و به جبهه بفرستید. نیروهای جبهه خیلی در ضعیفه سلاح و مهمات بودند. من هم که عمق تعمیرات و مهمات داشتم کار را شروع کردم. اصلا چیزی را راجع به این سلاح‌ها بلد نبودم و تا آن زمان به بسیاری از آنها را ندیده بودم. ساعت‌ها با این سلاح‌ها مشغول

صوری اینها را فرستاده و برای هر کدام از سلاح‌ها مقدار فینگ برای آزمایش داده و پیغام داده که اینجا را تعمیر کنید و به جبهه بفرستید.

نیروهای جبهه خیلی در ضعیفه سلاح و مهمات بودند. من هم که عمق تعمیرات و مهمات داشتم کار را شروع کردم. اصلا چیزی را راجع به این سلاح‌ها بلد نبودم و تا آن زمان به بسیاری از آنها را ندیده بودم. ساعت‌ها با این سلاح‌ها مشغول

رسا؛ سلاح انفرادی
میرزایی اوایل سال ۱۳۶۱او بعد از عملیات فتح‌المبین کار ساخت سلاح را شروع کرد. او که به‌عنوان تعمیر کار شهرت داشت، ساخت سلاح را بنا بر علاقه شخصی خود دنبال کرد؛ «۴قبضه سلاح معروف را برداشتم و با کمک اطلاعات فنی نقاط ضعف و قوت هر قطعه از سلاح را بررسی کردم. از سال ۱۳۶۱ تا ۶۴تحقیق کردم و سرانجام توانستم سلاحی به نام «رسا» را بسازم. تیرم سال ۱۳۶۴بازمایش سلاح نتیجه داد. ۲قبضه از آن ساخته شد، اما به تولید نرسید.»

رسا؛ سلاح انفرادی که به‌عنوان تعمیر کار شهرت داشت، ساخت سلاح را بنا بر علاقه شخصی خود دنبال کرد؛ «۴قبضه سلاح معروف را برداشتم و با کمک اطلاعات فنی نقاط ضعف و قوت هر قطعه از سلاح را بررسی کردم. از سال ۱۳۶۱ تا ۶۴تحقیق کردم و سرانجام توانستم سلاحی به نام «رسا» را بسازم. تیرم سال ۱۳۶۴بازمایش سلاح نتیجه داد. ۲قبضه از آن ساخته شد، اما به تولید نرسید.»

خاطره‌های از لحظه اسارت به روایت «رضا مرادمند»

با هر تیر خلاص، نصفه‌جان شدم

رضا مرادمند، وقتی اسیر شد، هنوز ۲۲سالش تمام نشده بود که مجروح شد و به اسارت

نیروهای بعثی درآمد. او حدود ۸سال از جوانی‌اش

را در چند اردوگاه عراق گذراند. کتاب «زندگی در سایه» خاطرات اوست که به گوشش یکی از هم‌زمانش به نام حسینعلی محمدی تدوین شده‌است. ۳۰روزمنده ایرانی را گردآوری کرده‌است که خاطره لحظه اسارت ۴۰روزمنده ایرانی را در عراقی‌ها هر کدام خواندنی است. یکی از آنها مربوط به خاطره لحظه اسارت رضا مرادمند است که در ادامه می‌خوانیم:

حدم درست بود محاصره شده بودیم و هر لحظه عراقی‌ها جلو می‌آمدند. هر جنبه‌های را هدف قرار می‌دادند. کسی جلوی آنها نبود. گویا دستور عقب‌نشینی رسیده بود و هر کسی توانست به‌داز منطقه خارج‌شده بود. فقط جوانی را دیدم که با همه وجود با عراقی‌ها می‌جنگید. هر چه به دستش می‌رسید برمی‌داشت و با عراقی‌ها مبارزه می‌کرد. شاید این جوان ۲ساعت گلوله بر سر عراقی‌ها ریخت. مثل شیر می‌گریه و می‌جنگید. عراقی‌ها او را نیز هدف قرار دادند. هر لحظه محاصره را تنگ‌تر کردند. آنها در دسته‌های ۲۰-۳۰ نفره بالای تپه ۷۵می‌آمدند. وقتی آنها را در چند قدمی‌ام دیدم، خود را به مردن زدم و زیر پلک‌های خاک‌گرفته‌ام آنها را زیر نظر داشتم. عراقی‌ها با دقت جنازه بچه‌ها را وارسی می‌کردند و به بعضی‌ها تیر خلاصی می‌زدند. یکی از عراقی‌ها از حرکت پلک‌هایم فهمید زنده

همیشه‌ری

یاد

زهرا راد روزنامه‌نگار

خداحافظ سردار

نگاهی کوتاه‌به زندگی و خاطرات شهید سیدهاشم در چهای

چندی پیش سردار «سید هاشم در چهای» از فرماندهان، جانبازان و آزادگان دفاع مقدس که نشان «فتح» را نیز از دستان فرماندهی معظم کل قوا در یافت کرده بود، در ۷۰سالگی آسمانی شد و به هم‌زمان شهید خود پیوست. انتشار این خبر کوتاه کافی بود تا سیل پیام‌های تسلیت از سوی هم‌زمانش و منتشر شود. در چهای، رزمنده‌های شجاع و آزاده‌ای صبور بود که خاطرات بسیاری از عملیات آزادسازی خرمشهر و دوران اسارت در اردوگاه‌های عراق داشت. در این گزارش نگاهی کوتاه‌به زندگی و خاطرات او از دوران اسارت انداخته‌ایم.



شهید هاشم در چهای، فروردین سال ۱۳۳۱ در شهر مشهد متولد شد. پدرش پسر عمومی شهید نواب صفوی بنیانگذار فدائیان اسلام و مادرش نوه مرحوم آیت‌الله سبزواری بود. او دوران کودکی خود را در سختی گذراند؛ به‌طوری‌که در این‌بار گفته است: «شب‌ها با یک تکه نان خشک خودمان را اسیر می‌کردیم، زمستان‌ها به‌خاطر نداشتن سوخت، سرمای سختی می‌خوردیم و تابستان‌ها گرمازه می‌شدیم.» در چهای از نخستین رزمندگان خراسانی بود که به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافت و به مقابله با ارتش بعث عراق پرداخت. او در عملیات «طریق القدس» به درجه جانبازی نایل آمد. شهید در چهای پس از نقش‌آفرینی در عملیات آزادسازی خرمشهر، جانشین فرمانده تیپ ۱۸ جوادالائم(ع) شد و تیر سال ۱۳۶۱ در عملیات رمضان به اسارت نیروهای بعثی درآمد. شهید در چهای به‌مدت ۳سال مشااور رهبری اردوگاه ۲هزار نفری موصل ۴ بود و به‌عنوان رهبری رسمی و مخفی توسط بعثی‌ها شناخته می‌شد. برقراری ارتباط محرمانه و سری با معاونت چهاردهم وزارت اطلاعات ایران از عراق با هماهنگی مرحوم حجت‌الاسلام سیدعلی اکبر ابوترابی، از دیگر اقدامات او در دوران اسارت بود.

خاطره ملی همه آزادگان

سردار سیدهاشم در چهای، جانباز و آزاده و از فرماندهان دوران دفاع مقدس، با حضور در برنامه شب خاطره که از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایدار حوزه هنری برگزار شد،میدو، خاطراتی از سال‌های اسارت وساعت سکوت در آسایشگاه اسیران و خودشناسی آنان را تعریف کرد بود. او به‌دلیل شباهت خاطرات سال‌های ابتدای اسارت، از این خاطرات به‌عنوان «خاطره ملی» یاد کرده و گفته بود: «امه‌های اول اسارت کارمان این بود که از همدیگر خبر می‌گرفتیم، از هم‌زمان و اینکه به چه اردوگاهی پیرامون اسارت‌اتشان را دوران کودکی، تحصیل و جبهه و... بود. اسرا انقدر این خاطرات را برای همدیگر تعریف می‌کردند که دیگر چیزی برای گفتن باقی نمی‌ماند. گاهی به تکرار می‌رسید و البته خسته‌کننده می‌شد.»

شهید در چهای در ادامه خاطراتش برای عبور از سختی‌های برآی رسیدن به آرامش و مقایسه آن با حال و روز اسیرانی که در اردوگاه عراق اسیر بودند توصیف جالبی را به کار برده بود: «باب را که سر کوزه بریز راه خود را به پایان بزم می‌کنند تا به دریا وصل شود. از موانع و سنج‌های سراسر راهش می‌گذرد، تکه‌تکه می‌شود، اما به راه خود ادامه می‌دهد. حتی اگر بخار هم شود، سرانجام در میان موج‌های دریا به آرامش خواهد رسید. برادرانی که در اردوگاه اسیر شده بودند خیلی زود راهشان را پیدا کردند. بعد از ۵یا ۶ماه شروع می‌کنند و به‌خدا به من نشان داد که برای هر کاری گشایش و موفقیت حاصل نمی‌شود مگر پس از عبور از سختی‌ها و مشکلات.»

ساعت سکوت در آسایشگاه

روزهای بی‌دری و ساعت‌های طولانی با هم‌بودن در فضایی مانند اردوگاه موجب شد ما مرحوم حاج آقا ابوترابی پیشینهای ارانه دهد که به بالابردن روحیه معنوی اسرا کمک کرد. شهید در چهای در ادامه خاطراتش از پیشنهاد مرحوم ابوترابی به‌عنوان ساعت سکوت در اردوگاه یاد کرده‌است: «حاج آقا ابوترابی گفت که اینجا هیچ کس ساعتی برای خودش و تنهایی‌اش ندارد. او پیشنهاد کرد تا یک ساعت بعد از آذان مغرب و نماز، هیچ کس به دیگری رجوع نکند، هر ساعت خودش باشد و خودش...». همه ما قبول کردیم. بعد از آن، ساعت سکوت برای ما آرامش بیشتری به‌دنبال آورد. در خلوت خودمان دعا و نیایش می‌خواندیم. این یک ساعت خیلی زیبا بود و هر چه از آن بگویم نمی‌توانم آن فضا را توصیف کنم. هر زمان خودت را پیدا کنی بسه اصل خودت برمی‌گردی... و ما به‌خودشناسی رسیده بودیم.»

دل‌ماند و هوای سنگر و فرمانده

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس روایتی از زندگی شهید سیدهاشم در چهای را در کتابی با عنوان «دل‌ماند و هوای سنگر و فرمانده» به چاپ رسانده‌است. این خاطرات که در جلد هجدهم از مجموعه «فتاحن خاطرات بازنویسی‌شده از زبان سیدهاشم در چهای از آزادسازی خرمشهر در جنگ تحمیلی است، آزادسازی خرمشهر پس از ۳۴روز مقاومت مردمی در برابر دشمن و بعد از ۷۵روز اشغال، طی عملیاتی ۲۵روزه، به‌عنوان عملیات بیت‌المقدس در سوم خرداد ماه ۱۳۶۱صورت گرفت و شهید در چهای در این عملیات حضور داشت. در پایان این کتاب، تصاویری از هاشم در چهای ضمیمه شده‌است.

